

در خانه بمانیم

رمان

رناته برگمان

ترجمه‌ی

حسین تهرانی



انتشارات فرارید

رناته برگمان هستم، روزبه خیر.

اصلاً باورتان می‌شد که روزی مجبور شویم با حفظ یک متر و نیم فاصله، ماسک‌زده و دستکش‌پوشیده، جلوی رو^۱ در صف منتظر اجازه‌ی ورود به فروشگاه بایستیم، انگار بخواهیم به ملاقات کسی برویم که تازه عمل جراحی شده است؟
یا این که دستمال‌توالت را یک رول یک رول به آدم بفروشند؟

آخ، دست از سرم بردارید، بعضی روزها آدم اعصابش کاملاً به‌هم می‌ریزد و باوجوداین باید سعی کند بر خودش مسلط باشد. همه باید عاقل باشیم و محدودیت‌ها را بپذیریم؛ چون فقط این‌گونه به نتیجه‌ی خوبی می‌رسیم. و گرچه با رعایت فاصله‌ی اجتماعی، اگر پشت هم بایستیم آن‌وقت موفق می‌شویم.

در همین لحظه که این‌جا جلوی کامپیوتر تاشوآم نشسته‌ام و دارم تایپ می‌کنم، اجازه نداریم از در خارج شویم. یعنی فقط به‌تنهایی

۱. REWE: از فروشگاه‌های مواد غذایی زنجیره‌ای در آلمان.

می‌توانیم بیرون برویم، ولی من اصلاً خانه را ترک نمی‌کنم، می‌دانید، در سن‌وسال من ریسک این کار خیلی بالاست. یعنی بیرون رفتن برای من نسبت به جوانان بسیار خطرناک‌تر است... به همین دلیل در خانه می‌مانم و تمام! آدمی مثل رناته برگمان عاقله‌زنی است که می‌داند کی باید تسلیم شرایط شود.

ببینید، من این شانس را دارم که اشتفان^۱، برادرزاده‌ام، خریدهایم را به‌طور مرتب برایم انجام می‌دهد و مجبور نیستم از خانه بیرون بروم. در این مورد قدردان هستم، گرچه برای آدم سخت است که از بخشی از آزادی‌اش چشم‌پوشی کند، آن‌هم برای کسی مثل من که حاضر نیست روز طولانی را روی کاناپه تلف کند. نه، من از خانه بیرون می‌زنم، تا جایی که بتوانم و آن‌قدر که استخوان‌هایم که هشتادودو سال از عمرشان می‌گذرد، تاب بیاورند. در روزگاری که همه‌چیز عادی بود، در باشگاه بازنشستگان هیچ جشنی برگزار نمی‌شد که من در آن سر میز قهوه ننشسته باشم. قبلاً همه‌ی این چیزها را گفته‌ام، می‌دانید... با حفظ فاصله‌ی یک متر و نیم نمی‌توان پولونز رقصید. بگذریم.

لجوژانه به ویروس می‌گوییم: «باشد، ما در خانه می‌مانیم!» و مایلم کمی برایتان شرح دهم که چگونه تمام آشنایانم سعی می‌کنند بفهمند که من روزهایم را چگونه سپری می‌کنم، گاهی هم چند توصیه بدرقه‌ی راه‌تان می‌کنم. هرچه باشد، بیخود به مدرسه‌ی همسریابی^۲ نرفتم تا قلاب‌بافی یاد بگیرم!

1. Stefan

۲. مدرسه‌ای برای دختران دم‌بخت در آلمان نازی. اعضای اس‌اس فقط می‌توانستند با دخترانی ازدواج کنند که دوران آموزشی را طبق جهان‌بینی نازی‌ها در این مدرسه گذرانده باشند.